

فنودور داستایوسکی

آزردگان

ترجمہ

مشفق ہمدانی



داستایوسکی، فنودور میخائیلوویچ، ۱۸۴۱-۱۸۸۱

Dostoevskii, Fedor Mikhailovich

آزردگان / داستایوسکی؛ مترجم مشفق همدانی.

تهران: صفی علیشاه، ۱۳۸۶، ۵۱۸ ص.

ISBN-978-964-5626-64-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. داستانهای روسی - قرن ۱۹ م. الف. مشفق همدانی، ربیع، ۱۳۹۱.

مترجم. ب. عنوان.

۱۳۷۴

۸۹۱/۷۳۳

PG۳۳۶۰.۷/۴

کتابخانه ملی ایران ۱۳۸۶-۲۶۹۰۶م

انتشارات صفی علیشاه

آزردگان

نویسنده: فنودور داستایوسکی

مترجم: مشفق همدانی

چاپ اول: ۱۳۸۷

حروفنگاری: نارون

چاپ: مبروی

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۲۶-۶۴-۶

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات صفی علیشاه است.

مقدمه

یکی از افتخارات دوران خدمت فرهنگی و مطبوعاتی من آن است که در سال ۱۳۲۷ برای نخستین بار با ترجمه «آزردگان» هم‌میهنان عزیزم را با یکی از فروزان‌ترین ستارگان آسمان ادبیات دنیا یعنی فدور داستایوسکی آشنا ساختم. با آن که تا آن روز تنها عده معدودی از ایرانیان که به زبان‌های بیگانه آشنایی داشتند آثار داستایوسکی را مطالعه‌ی کرده بودند کم‌تر فارسی‌زبانی بود که داستایوسکی را درست شناخته و به افکار بلند و نبوغ حیرت‌انگیز او پی برده باشد و بسیار خرسندم که ایرانیان سخن سنج و گوهرشناس به محض انتشار آزردگان نه تنها از آن استقبال شایانی نمودند بلکه طوری به مطالعه‌ی سایر آثار داستایوسکی راغب گردیدند که عده‌ای دیگر از مترجمان خوش ذوق بعد از من به ترجمه سایر آثار آن نویسنده بزرگ پرداختند و اینک برای من مایه‌ی خوش‌وقتی است هنگامی «آزردگان» برای پنجمین بار به چاپ می‌رسد که عده بی‌شماری از ایرانیان روشن‌فکر، کتاب‌خوان و کتاب‌شناس چنان‌چه باید به مقام داستایوسکی در ادبیات جهان پی برده‌اند.

برای اثبات مقام بزرگ داستایوسکی در دنیای ادب کافی است یادآور شوم که «اشتفان تسوایگ» یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان معاصر در کتابی که به تحلیل نبوغ داستایوسکی اختصاص داده او را از مفاخر جهان می‌داند و با نهایت تواضع و فروتنی شرح حال او را این‌طور آغاز می‌کند:

«ادای حق مطلب و شرح اهمیتی که داستایوسکی برای دنیا دارد کار بسیار دشوار و بغرنجی است زیرا قدرت و نفوذ شخصیتش از همه قواعد و اسباب بحث و تدقیق که ما در دست داریم بزرگتر است. در آن عوالمی که داستایوسکی به قوه تصور خلق کرده، نیروی سحرانگیزی است که درک آن برای ما غیر میسر است.»

به غیر از «اشتفان تسوایگ» عده بی شماری از نویسندگان بزرگ در شرح داستایوسکی و تجزیه آثار و تصریح افکار او کتاب های بی شمار نگاشته اند و بدون اغراق می توان گفت بسیاری از گل های زیبایی که گلزار ادبیات روسیه و حتی ادبیات بسیاری از کشورهای متمدن جهان را طی صد سال اخیر زینت بخشیده اند به طور قطع از سرچشمه نبوغ و اندیشه های بدیع داستایوسکی سیراب شده است.

این نویسنده بزرگ در حقیقت مؤسس مکتبی خاص در رمان نویسی است که شاید بتوان آن را مکتب روانشناسی نامید و اکثر رمان های معروفی که طی سال های اخیر در فرانسه و انگلیس و آمریکا پیرامون تجلیات روح انسانی نگاشته شده تقلیدی از آثار بی مانند داستایوسکی است.

این نویسنده دل سوخته که طی چند صباح زندگانی همواره با غم و اندوه دست به گریبان بود و در کشاکش روزگار رنج و اندوه فراوان دید و دقیقه ای از انوار نیک بختی و سعادت بهره مند نگشت در نقاشی و شرح احساسات و روشن ساختن بیغوله های روان مرموز انسان بیداد می کند و به نیکوترین وجهی چگونگی اندیشه های متشت و اثرات پی های بیمار و ناتوان آدمی را روشن نموده و خواننده را با مصائب دهشت انگیزی که در این جهان دامن گیر آدمی می گردد آشنا می کند. کم تر نویسنده ای مانند

داستایوسکی قادر به نشان دادن جراحات‌های قلب بشر است.
منظره یک دختر بیمار دل‌سوخته، چند قطره اشک، مرگ یک جوان
ناکام این نویسنده حساس را چنان از خود بی‌خود می‌سازد که به کلی
مصائب و ناکامی‌های خویش را فراموش می‌کند. سرتاسر زندگانی
داستایوسکی مشحون از رنج و بینوایی است و به همین جهت تألیفات وی
مملو از حقایق بارزی است که از ته دل پاکش تراوش کرده است.
فدور داستایوسکی در سال ۱۸۲۱ در بیمارستان بینوایان مسکو پا به
عرصه وجود گذاشت.

در سال ۱۸۴۴ یعنی در سن بیست و سه سالگی نخستین کتاب
معروف خویش به نام بینوایان را به رشته تحریر درآورد و منتشر نمود و در
آوریل ۱۸۴۹ با ۴۳ تن دیگر از طرف حکومت تزاری توقیف و محکوم به
مرگ گردید. در دسامبر ۱۸۴۹ به سبیریّه فرستاده شد و بعداً حکم مرگش
به ۴ سال زندان گردید. از ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۷ در سبیری به سر برد.

در سال ۱۸۶۶ کتاب «جنایت و مکافات» را که شاهکار اوست منتشر
ساخت و از سال ۱۸۶۶ تا ۱۸۸۱ که آخرین مرحله زندگانی اوست با آن
که چندین کتاب نگاشته و آوازه شهرتش همه‌جا را فرا گرفته بود دائماً در
تنگنای رنج و ناکامی دست و پا می‌زد و از دست بستانکاران خویش فرار
می‌کرد و حتی یک‌بار ناگزیر لباس و آخرین پیراهن خویش را به مبلغی
ناچیز فروخت. این نویسنده تیره‌بخت که از این جهان جز محنت و
دلسوختگی نصیبی دیگر نبرده بود در سال ۱۸۸۱ زندگانی را بدرود
گفت.

تولستوی بزرگ‌ترین نویسنده روسی که معاصر داستایوسکی بود اگر
چه در تمام عمر با داستایوسکی آشنایی نیافت با وجود این چون از خبر

درگذشت وی آگاه گشت حسرت فراوان خورد و بسیار اندوهگین و متأثر
گشت و در خصوص وی چنین نگاشت:

«اگرچه من این مرد را هرگز ندیده و با وی مناسبات مستقیم نداشته‌ام
با این همه وقتی خبر مرگ ناگهانی وی را شنیدم دریافتم او نزدیک‌ترین و
گرامی‌ترین و سودمندترین دوست من بوده است.»

مشفق همدانی